

بسم الله الرحمن الرحيم

عملیات طوفان الاقصی؛

ابعاد، اهداف و پیامدها

چکیده:

۱- شنبه ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲، یکی از نقاط عطف مهم و ماندگار در تاریخ معادلات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا و به طور خاص در روند درگیری‌های مقاومت فلسطین با رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. مقاومت فلسطین این بار به انجام یک عملیات ترکیبی و دقیق مبادرت نمود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «زلزله‌ی ویرانگر ۱۵مهر یک شکست اطلاعاتی و نظامی غیرقابل ترمیم برای رژیم صهیونیستی» بود.

۲- به اعتراف مقامات تل‌آویو عملیات طوفان الاقصی برای آنان کاملاً غافلگیرانه و غیرقابل پیش‌بینی بوده است. در این رابطه، خبرگزاری رویترز با عنوان «چگونه حماس اسرائیل را فریب داد؟» نوشته است: یک کارزار دقیق فریب باعث شد زمانی که گروه فلسطینی حماس حمله ویرانگر خود

را آغاز کرد و با بهره‌گیری از بولدوزر، گلایدرهای متحرک و موتورسیکلت برای مقابله با قدرتمندترین ارتش خاورمیانه وارد عمل شد، اسرائیل غافل‌گیر شود.

۳- عمل نکردن سامانه‌های ضد موشکی مانند گنبد آهنین از بزرگ‌ترین نقاط ضعف سیستم دفاعی اسرائیل بود که در عملیات اخیر خودش را نشان داد. این موضوع در کنار عنصر غافلگیری و عدم انگیزه نیروهای اسرائیل برای هر گونه واکنش جدی، به شدت بر روحیه سربازان و ساکنان اشغالگر تاثیر گذاشته است. همچنین اطلاعاتی که در خصوص حمله سایبری از سوی نیروهای مقاومت علیه سامانه گنبد آهنین ارتش رژیم صهیونیستی منتشر شده توانمندی مقاومت در این حوزه را نشان داد.

۴- از مهمترین اهداف و انگیزه‌های طراحی و انجام برق‌آسای عملیات بزرگ طوفان الاقصی از سوی مقاومت فلسطینی، می‌توان به مواردی از قبیل؛ پاسخ به تجاوزات اسرائیل غاصب، تقویت معادله بازدارندگی، بازگرداندن قضیه فلسطین به راس اولویت‌ها و اثبات کارآیی مقاومت اشاره کرد. در واقع، مقاومت فلسطینی در راهبردی پیش‌دستانه به راهبرد زمین سوخته غزه که در سر سران غاصب صهیونیستی بود و بارها با تجاوزات خود از سال

۲۰۰۰ به دنبال از بین بردن کامل باریکه غزه بودند پاسخ داد و با حمله خود توازن را به نفع خود بر هم زد.

۵- همچنین از اهم دستاوردها و پیامدهای این عملیات بی سابقه می توان به شکست سنگین اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، تزلزل بیشتر دولت نتانیاهو و به محاق رفتن پروژه عادی سازی روابط کشورهای عربی به ویژه عربستان با این رژیم غاصب اشاره کرد.

۶- صرف نظر از دورنمای تحولات غزه که می توان از سناریوهای مختلف سخن گفت، در مجموع باید گفت پیروزی بزرگ مقاومت و شکست سنگین رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در تاریخ منازعات دو طرف رقم خورده و شرایط و معادلات جدیدی را به دشمن تحمیل کرده است؛ شرایطی که قطعاً رژیم صهیونیستی و حامیانش را وادار به بازنگری در محاسبات خود خواهد نمود.

عملیات طوفان الاقصی؛

ابعاد، اهداف و پیامدها

زلزله‌ی ویرانگر ۱۵مهریک شکست اطلاعاتی و نظامی غیرقابل ترمیم برای رژیم صهیونیستی بود. این زلزله ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدیدنمای آن سازه‌ها به این آسانی امکان پذیر نیست.

(رئیس‌مجمع‌الطلاب - ۱۸مهر ۱۴۰۲)

اشاره:

شنبه ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲، یکی از نقاط عطف مهم و ماندگار در تاریخ معادلات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا و به طور خاص در روند درگیری‌های مقاومت فلسطین با رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. مقاومت فلسطین که پیش از این در جنگ‌های متعدد غزه قدرت موشکی خود را به اشغالگران صهیونیستی نشان داده بود؛ این بار به انجام یک

عملیات ترکیبی و دقیق مبادرت نمود و برای نخستین بار از طریق زمینی با نفوذ به عمق خاک اسرائیل ضربات سخت و بی سابقه‌ای بر پیکره کیان رژیم غاصب وارد ساخت. این عملیات بزرگ و پیروزمندانه، معادلات امنیتی - نظامی و نیز سیاسی را به طور کامل به نفع مقاومت تغییر داده و رژیم صهیونیستی را بیش از گذشته در موضع ضعف و فروپاشی قرار داده است.

شرح ماجرا

بامداد روز شنبه (۱۵ مهر ۱۴۰۲)، جریان مقاومت فلسطین با محوریت جنبش حماس، از نوار غزه حملات گسترده و فراگیری را در قالب عملیات ترکیبی با عنوان «طوفان الاقصی»، علیه شهرها و شهرک‌های اراضی اشغالی در شرق و شمال غزه انجام دادند. به گفته فرمانده گردان‌های عزالدین‌القسام (شاخه نظامی جنبش حماس) اولین ضربه عملیات طوفان الاقصی که مواضع، فرودگاه‌ها و استحکامات دشمن را هدف قرار داد، از مرز ۵۰۰۰ راکت گذشت. حملات موشکی حماس، محدود به شهرک‌های اطراف غزه نبوده و طبق اعلام منابع صهیونیستی، تعدادی از موشک‌های مقاومت به تل‌آویو، پایتخت رژیم غاصب اسرائیل هم اصابت کرده است.

پس از آتشبار سنگین اولیه، نیروهای مقاومت فلسطین در یک عملیات دقیق و هماهنگ ضمن عبور از مرزهای غزه با خودرو، موتورسیکلت و پاراگلایدر و ورود به شهرک‌های اشغالی در اطراف نوار غزه، بر چند پایگاه و شهرک صهیونیستی سیطره یافتند. به گزارش روزنامه صهیونیستی هاآرتص، تعداد نیروهای حماس که شنبه صبح وارد شهرک‌های اطراف نوار غزه شده‌اند، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر بوده و همچنان در منطقه مخفی شده‌اند.



در همان ساعات اولیه بیش از صد صهیونیست کشته شده و دهها تن به اسارت نیروهای مقاومت درآمده‌اند. تصاویر فرار صهیونیست‌ها با لباس شخصی، کشته شدن سربازان مرزی، غنیمت گرفته شدن ماشین و حتی

تانک‌های اسرائیلی در پاسگاه‌های مرزی همگی نشان از عمق غافل‌گیری صهیونیست‌ها داشت.

عمق عملیات زمینی نیروهای مقاومت در اطراف غزه در برخی نقاط به حدود ۴۰ کیلومتر رسیده و از میان ده شهرک موجود در این مناطق حداقل سه شهرک (سدیروت، صوفا و بئیری) به دست مجاهدان فلسطینی افتاده و درگیری در سایر شهرک‌ها ادامه دارد. یوآوگالانت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی فراخوان نیروهای ذخیره را تایید و تا عمق ۸۰ کیلومتری از نوار غزه را وضعیت ویژه اعلام کرده است.

به دنبال این عملیات رعدآسا، رژیم غاصب صهیونیستی مطابق معمول دست به حملات کور و بمباران هوایی و توپخانه‌ای مناطق مختلف غزه زد که براساس تازه‌ترین گزارش وزارت بهداشت فلسطین تاکنون (زمان تنظیم این مطلب) در حملات همه جانبه رژیم صهیونیستی به غزه و اطراف آن بیش از ۲۷۵۰ نفر به شهادت رسیده و تعداد ۹۷۰۰ تن زخمی شده‌اند که اکثرشان (قریب به ۱۳۰۰ نفر از آنها) کودکان و زنان بی‌دفاع هستند. همچنین در این مدت ۵۸ فلسطینی در کرانه باختری شهید و بیش از ۱۲۵۰ نفر دیگر

در کرانه زخمی شده‌اند. در همین رابطه سخنگوی صندوق کودکان ملل متحد «یونیسف» اعلام کرد: «از زمان شروع بمباران اسرائیل، بیش از ۷۰۰ کودک در نوار غزه جان خود را از دست داده‌اند.» وی تأکید کرد: «دیگر جای امنی برای کودکان در غزه وجود ندارد؛ آب و غذا و دارویی هم نیست.»

ویژگی‌ها و مختصات عملیات طوفان الاقصی

الف) جنگ ترکیبی: مقاومت فلسطین برای نخستین بار یک جنگ ترکیبی موفق را علیه رژیم غاصب طراحی و اجرا کرد. در جریان این عملیات، نیروهای سایبری، پهپادی، موشکی و زمینی حماس مشارکت داشتند و برای نخستین بار صحنه‌هایی را رقم زدند که در تاریخ مبارزات ملت فلسطین علیه اسرائیل، بی سابقه یا کم سابقه بوده است. طراحی و هماهنگی جنگ ترکیبی به مراتب دشوارتر و پیچیده تر از جنگ های بسیط است؛ لذا موفقیت در چنین جنگی به رغم توانمندی های بالای رژیم غاصب اعم از تسلیحات و تجهیزات و ارتش کلاسیک و نیز سامانه‌های پیشرفته اطلاعاتی و دفاعی؛ امری خارق‌العاده و برجسته محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که

بسیاری از محافل نظامی و عملیاتی کنجکاو شده اند تا از ابعاد و جزئیات این عملیات ترکیبی و منسجم، اطلاعات بیشتری کسب کنند. اهمیت این عملیات ترکیبی در جایی بیشتر می شود که نوار غزه از زمین و هوا و دریا کاملا در محاصره بوده و دستیابی به تجهیزات و تسلیحات و لجستیک جنگ آن هم توسط یک گروه چریکی کاری بسیار دشوار به شمار می رود.

ب) عنصر غافل گیری: به اعتراف مقامات تل آویو عملیات طوفان الاقصی برای آنان کاملا غافلگیرانه و غیرقابل پیش بینی بوده است. در این رابطه، خبرگزاری رویترز با عنوان «چگونه حماس اسرائیل را فریب داد؟» نوشته است: یک کارزار دقیق فریب باعث شد زمانی که گروه فلسطینی حماس حمله ویرانگر خود را آغاز کرد و با بهره گیری از بولدوزر، گلایدرهای متحرک و موتورسیکلت برای مقابله با قدرتمندترین ارتش خاورمیانه وارد عمل شد، اسرائیل غافل گیر شود. گزارش مذکور در ادامه اضافه می کند: حمله روز شنبه، بدترین شکست اسرائیل از زمان آغاز جنگ ارتش های عربی در سال ۱۹۷۳ بود که به دنبال ۲ سال فعالیت های فریب دهنده

حماس شامل مخفی نگه داشتن طرح‌های نظامی خود و متقاعد کردن اسرائیل به عدم تمایل به جنگ به انجام رسید.

به گفته منابع نزدیک به حماس در حالی که رژیم صهیونیستی به این باور رسیده بود که با ارائه انگیزه‌های اقتصادی به کارگران غزه، حماس خسته از جنگ را مهار می‌کند، جنگجویان این گروه شبانه‌روزی آموزش می‌دیدند و تمرین می‌کردند. حماس طی ماه‌های گذشته از یک تاکتیک اطلاعاتی بی‌سابقه برای گمراه کردن اسرائیل استفاده کرد و این تصور عمومی را ایجاد کرد که آماده جنگ نیست؛ در حالی که در خفا برای این عملیات به صورت گسترده آماده می‌شد.

رژیم صهیونیستی اذعان کرده است که با حمله‌ای که مصادف با روز شنبه یهودیان و یکی از تعطیلات دینی آنها بود، غافل‌گیر شده است. در این غافل‌گیری جنگجویان حماس به اسرائیل یورش بردند و صدها اسرائیلی را کشتند و ده‌ها نفر را به اسارت گرفتند. نوع و مدل حمله حماس به رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که برای این عملیات حداقل ماه‌ها فکر و برنامه‌ریزی شده است؛ یعنی نباید تصور کرد یک شبه یک گروه شبه نظامی

تصمیم گرفته حمله‌ای ترتیب دهد. بنابراین حمله فوق رعدآسا و کاملا برنامه‌ریزی شده بوده و معلوم است که افرادی که عملیات را طراحی کرده‌اند در امور نظامی به خصوص جنگ‌های نامنظم و پارتیزانی کاملا مسلط بوده‌اند.

ج) عملیات در عمق خاک رژیم صهیونیستی: هیچ‌گاه سابقه نداشته که نیروهای جریان مقاومت در یک هماهنگی بی‌نظیر، یک عملیات گسترده را علیه دشمن در عمق اراضی اشغالی پیاده‌سازی کنند. کافی است توجه داشته باشیم که نیروهای پیاده جریان مقاومت در جریان عملیات نفوذ به شهر و شهرک‌های مجاور با نوار غزه، از دیوار مرزی به ارتفاع هشت متر و به طول بیش از ۷۰ کیلومتر عبور کرده‌اند. در واقع، مرزی که قرار بود نفوذناپذیر باشد و حدود یک میلیارد دلار برای استحکامات آن هزینه شده بود، از ۲۲ نقطه و در عمق ضربه خورد. صحنه‌های وحشت گسترده شهروندان اسرائیلی و فرار آن‌ها در بیابان‌های اراضی اشغالی و یا انتقال اسرای اسرائیلی به داخل خاک نوار غزه از عمق اراضی اشغالی و البته، تصرف برخی پاسگاه‌های پلیس و پایگاه‌های نظامی اسرائیلی توسط جریان

مقاومت، همه و همه مجموعه‌ای از صحنه‌های قابل توجه را ایجاد کردند که شاید تجربه و هضم آن‌ها ظرف چند ساعت و در طول یک روز، حتی برای آن‌هایی که در حوزه منازعات اسرائیل و فلسطین، سال‌ها کار کرده و پژوهش داشته‌اند، چندان ساده نباشد. نفوذ زمینی، علاوه بر طراحی دقیق و تجهیزات کافی و مناسب، نیاز به روحیه بالای رزمی و شهادت طلبی نیز دارد؛ روحیه‌ای که نزد فلسطینیان به فور یافت می‌شود و به تعبیر مقام معظم رهبری نسل‌های جدید فلسطین طی ۷۵ سال گذشته بیش از همیشه بیدار و آماده رزم با اسرائیل است.

(د) آسیب‌پذیری سامانه‌های پدافندی و زیرساختی: تبلیغات زیاد از مولفه‌های قدرت رژیم صهیونیستی در خصوص سامانه‌های پدافندی و زیرساختی قوی، تصور و تصویری از نفوذناپذیری این رژیم در اذهان ساخته بود که با حملات سایبری گسترده و قابل توجهی که از سوی مقاومت انجام شد این تصور و تصویر فرو ریخت و دروغ و غیرواقعی بودن این توانمندی ادعایی به شدت آسیب‌پذیر جلوه کرد. عمل نکردن سامانه‌های ضد موشکی مانند گنبد آهنین از بزرگ‌ترین نقاط ضعف سیستم

دفاعی اسرائیل بود که در عملیات اخیر خودش را نشان داد. این موضوع در کنار عنصر غافلگیری و عدم انگیزه نیروهای اسرائیل برای هر گونه واکنش جدی، به شدت بر روحیه سربازان و ساکنان اشغالگر تاثیر گذاشته است. همچنین اطلاعاتی که در خصوص حمله سایبری از سوی نیروهای مقاومت علیه سامانه گنبد آهنین ارتش رژیم صهیونیستی منتشر شده توانمندی مقاومت در این حوزه را نشان داد.

۵) حجم بالای تلفات: هیچ‌گاه سابقه نداشته که جریان مقاومت فلسطین در روز نخست یک درگیری و جنگ خود با اسرائیلی‌های غاصب، خسارتی بالغ بر بیش از ۳۰۰ کشته و قریب به ۱۰۰۰ مجروح را به دشمن خود تحمیل کند. همچنین این امر بی‌سابقه است که جریان مقاومت فلسطین در روز نخست درگیری با اسرائیل، بیش از ۵۰ اسرائیلی از جمله یک ژنرال عالی رتبه ارتش اسرائیل و شماری از افسران اطلاعاتی این رژیم را به اسارت بگیرد. به گفته «محمد الضیف» فرمانده گردان‌های عزالدین القسام اولین ضربه عملیات طوفان الاقصی که مواضع، فرودگاه‌ها و استحکامات دشمن را هدف قرار داد، از مرز ۵۰۰۰ راکت گذشت. این حجم بالای آتش طبعا تلفات بالایی از دشمن گرفته است. طبق آخرین اعلام رسانه های

صهیونیستی شمار کشته‌های اسرائیلی در عملیات "طوفان الاقصی" چهار رقمی شده و به یک هزار و ۱۰۰ نفر رسیده است. همچنین شمار زخمی‌های رژیم صهیونیستی در حملات مقاومت از آغاز نبرد طوفان الاقصی تا کنون به ۲ هزار و ۷۴۱ تن افزایش یافته است. از سوی دیگر، روزنامه تایمز اسرائیل نیز نوشت که دستکم ۱۰۰ اسرائیلی در نوار غزه اسیر هستند؛ در حالی که گزارش‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد شمار اسرای اسرائیلی حداقل ۱۷۰ تن است. همچنین طبق تجربه جنگ‌های گذشته، معمولاً تلفات فلسطینی‌ها به مراتب بیش از کشته‌های اسرائیلی بوده است؛ اما این بار در عملیات طوفان الاقصی معادله تلفات به شکل قابل توجهی به نفع مقاومت تغییر یافت.

چرایی حمله یا اهداف و انگیزه‌های مقاومت از عملیات

۱- پاسخ به تجاوزات اسرائیل: «محمد الضیف» فرمانده گردان‌های عزالدین القسام در باره اهداف و انگیزه‌های عملیات طوفان الاقصی گفت: رژیم غاصب صهیونیستی مسجد الاقصی و محل معراج پیامبر(ص) را هتک حرمت کرد و ما قبلاً به آنها نسبت به عواقب این کارها هشدار داده بودیم. به گفته الضیف اشغالگران صدها عملیات قتل عام علیه غیرنظامیان مرتکب

شدند و امروز خشم الاقصی، خشم ملت ما و مجاهدان صالح ما در حال انفجار است و این روز شماسست تا به دشمن بفهمانید که به پایان رسیده است. فرمانده ارشد مقاومت فلسطین تاکید کرد: فرماندهی القسام تصمیم گرفت به همه جنایات اشغالگران پایان دهد و زمان عربده‌کشی بدون پاسخگویی دشمن به پایان رسیده است. ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های القسام تاکید کرد طوفان الاقصی در پاسخ به جنایات اشغالگران اسرائیل علیه مردم فلسطین در جای جای فلسطین از جمله کرانه باختری و به ویژه تعرض به حریم مسجد الاقصی انجام شد. به همین دلیل عملیات روز شنبه به «طوفان الاقصی» نامگذاری شده است.

۲- تقویت معادله بازدارندگی: مقاومت فلسطین با دستیابی به موشک‌های مختلف در جنگ‌های گذشته غزه تا حد زیادی قدرت بازدارندگی خود را علیه رژیم صهیونیستی تثبیت کرده و در نتیجه اسرائیل کمتر جرات ریسک حمله به فلسطینیان به ویژه در نواره غزه را می‌یافت. عملیات اخیر اما نشان داد مقاومت فلسطین قصد دارد معادله بازدارندگی را کامل کرده و با واردکردن ضربات سخت و تلفات و خسارت‌های فراوان؛ هر گونه جرات

ریسک را از اشغالگران سلب کرده و قدرت بازدارندگی مقاومت را به ویژه در کرانه باختری که از توانمندی های تسلیحاتی در حد نوار غزه برخوردار نیست، تعمیم دهد. صهیونیست ها از هیچ اقدام سرکوبگرانه و توسعه طلبانه در کرانه علیه فلسطینی ها ابایی نداشته و ضمن مصادره اراضی فلسطینی ها به شهرک سازی ادامه می دهند؛ آن گونه که در سخنان فرمانده گردان های عزالدین القسام آمده عملیات طوفان الاقصی در واقع پاسخی دندان شکن و نوعی اقدام بازدارنده نسبت به جنایات و تجاوزات اسرائیل علیه مردم مظلوم فلسطین در کرانه باختری بوده است. به گفته محمد الضیف، اسرائیل باید بداند دوران بزن در رو و ترور فرماندهان و علما به پایان رسیده و در سایه جنایت های مداوم در حق مردم ما و عربده کشی های اشغالگر و سکوت بین المللی تصمیم گرفتیم که با یاری خداوند مانع از ادامه این جنایت ها شویم تا دشمن بفهمد زمان عربده کشی بدون مجازات تمام شده است.

۳- بازگرداندن قضیه فلسطین به راس اولویت ها: آرمان فلسطین در گذر زمان به تدریج به بوته فراموشی سپرده شده و جهانیان و حتی کشورهای

منطقه حساسیت لازم و کافی را نسبت به این مساله از دست داده بودند. از یک سو، بحران‌های منطقه‌ای از جمله جنگ سوریه و ظهور داعش تا مدتی قضیه فلسطین را به محاق برد و از دیگر سو، احیای روند سازش که در قالب طرح موسوم به «معامله قرن» معاهده ابراهیم را رقم زد، بار دیگر آرمان فلسطین را به حاشیه برد. از این منظر می‌توان یکی از اهداف مهم عملیات اخیر مقاومت فلسطین را احیای مساله فلسطین و زنده بودن فلسطینی‌ها در جهت استیفای حقوق مسلم خویش و نیز جلب توجه جهانیان به این موضوع مهم قلمداد کرد.

۴- اثبات کارآیی مقاومت: جبهه سازش و حامیان بین المللی آن همواره از بیهوده و پرهزینه بودن مقاومت علیه اسرائیل غاصب سخن می‌گفتند و با ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی روند سازش را از سر می‌گرفتند. در این چهارچوب، اقدام نظامی بزرگ جنبش حماس را می‌توان تلاش این جنبش برای مهار گرایش اعراب به عادی‌سازی و زنده نگه داشتن مساله فلسطین در سطح منطقه‌ای و بین المللی قلمداد کرد تا بدین وسیله توجه و همدردی

جوامع عربی و بین‌المللی را جلب کرده و بار دیگر کارآیی گزینه مقاومت مسلحانه را به رخ سازشکاران بکشد.

نقش جمهوری اسلامی ایران

با توجه به دستاورد بزرگ مقاومت فلسطینی در عملیات طوفان الاقصی، این سوال برای محافل مختلف مطرح است که چگونه یک ائتلاف کوچک از نیروهای مسلح فلسطینی توانایی انجام چنین حمله ویرانگری را به سرزمین‌های اشغالی فراهم آورده است؟ این موضوع باعث شده تا برخی به گمانه زنی در مورد ایفای نقش بیشتر از سوی جمهوری اسلامی ایران روی آورند.

در این رابطه، جاناتان فاینر، معاون مشاور امنیت ملی آمریکا با اشاره به تلاش‌های تهران برای آموزش و ارائه تسلیحات به گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی گفت که ایران در حمله اخیر حماس به اسرائیل به طور کلی همدست بوده است. به گفته وی ایران دستکم به طور غیرمستقیم مسئول حمایت و آموزش نیروهای حماس است.

روزنامه وال استریت ژورنال نیز گزارش داد که ایران به عنوان کشوری که مدت‌ها است حمایت‌های مالی خود را از حماس دریغ نکرده است؛ چند روز قبل از حمله حماس به نیروهای فلسطینی چراغ سبز نشان داده است. این روزنامه در ادامه ادعا کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران دست‌کم از ماه اوت به آموزش حماس در این عملیات و آماده‌سازی و هماهنگی تهاجم کمک کرده است.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هر چند حمایت خود را از مقاومت فلسطین انکار نکرده است؛ اما رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر خود در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح تصریح کردند: «آنها که می‌گویند حماسه اخیر کار غیر فلسطینی‌ها است، دچار محاسبه غلط شده‌اند».

علی کریمی مقام، عضو نمایندگی ایران در سازمان ملل نیز در واکنش به ادعاهای مطرح شده در نشریات آمریکایی با استناد به اظهارات غیرموثق برخی منابع مطلع مبنی بر نقش داشتن ایران در حمله مقاومت فلسطین به مواضع رژیم اشغالگر قدس، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر)

نوشت که تصمیمات مقاومت فلسطین خودجوش و مطابق منافع قانونی ملت فلسطین است. کریمی تاکید کرد ما همدلانه برای حمایت راسخ از فلسطین در کنار آن ایستاده ایم؛ اگرچه، ما در پاسخ عملی فلسطین نقشی نداریم؛ چرا که اقدامات میدانی صرفا از سوی خود فلسطینی‌ها انجام می‌شود.

دستاوردها و پیامدها

۱- شکست سنگین اطلاعاتی اسرائیل: با توجه به ابعاد گسترده عملیات طوفان مهمترین موضوع عبارت است از هماهنگی طیف‌های مختلف نظامی جریان مقاومت با یکدیگر جهت پیشبرد یک چنین عملیاتی طی ماه‌ها کار و تمرین و فعالیت اطلاعاتی؛ به عبارتی، این حمله در دوره زمانی کوتاهی برنامه ریزی و اجرا نشده است. حال این سوال مطرح می‌شود که سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی متنوع اسرائیلی نظیر موساد، شین‌بت، شاباک و نیز جاسوس‌هایی که در نوار غزه دارند کجا بوده‌اند که نتوانسته‌اند وقوع چنین عملیات بزرگی را پیش بینی و یا سرخ‌هایی را از آن به دست آورند؟ اهمیت این سوال زمانی مشخص می‌شود که بدانیم اسرائیل

سال‌هاست هویت و اعتبار ویژه‌ای را برای خود و نهادهای اطلاعاتی‌اش به ویژه موساد در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده و حتی فیلم‌های سینمایی مختلفی نیز از تبحر ماموران اطلاعاتی این نهاد در انجام ماموریت‌های مختلف و حذف دشمنان اسرائیل ساخته شده است.

تردیدی نیست که پیامدهای شوک شدید عملیات طوفان الاقصی، به سرعت در نهادهای اطلاعاتی اسرائیل مشاهده خواهد شد و حتی می‌تواند سطح بحران‌ها را در اراضی اشغالی تشدید کند. در این میان، شهروندان اسرائیلی نیز بر شدت انتقادات خود علیه این نهادها و دولت نتانیاهو خواهند افزود. این موضوع خود به گسترده شدن شکاف داخلی و ابعاد بحران علیه دولت حاکم دامن خواهد زد. در هر حال عملیات طوفان الاقصی نه تنها هیبت ارتش و قدرت نظامی اسرائیل، بلکه اعتبار دستگاه اطلاعاتی این رژیم را نیز بر باد داد.

۲- تزلزل بیشتر دولت نتانیاهو: پیش از عملیات طوفان الاقصی دولت بنیامین نتانیاهو در بدترین شرایط قرار داشت و چالش‌های داخلی و اعتراضات عمومی او را محاصره کرده بود. پس از اوج‌گیری عملیات طوفان

الاقصی و آشکار شدن ابعاد بحرانی آن برای تل‌آویو، موقعیت وی بیش از گذشته متزلزل شده و افکار عمومی اسرائیل تا حد زیادی نتانیاہو و تندورہای موجود در دولت وی را عامل اصلی وقوع عملیات طوفان اقصی می‌دانند و با توجه به تداوم اعتراضات در اراضی اشغالی علیہ دولت فعلی به دلیل اجرایی کردن لایحہ اصلاحات قضایی در اسرائیل، شرایط جهت فروپاشی این دولت فراہم است. در این حین، یائیر لاپید و نفتالی بنت از چہرہ‌ہای سرشناس اپوزیسیون اسرائیل به نتانیاہو پیشنهاد دادند کہ در شرایط بحرانی کنونی، اختلافات را کنار بگذارند و یک دولت آشتی ملی را جهت مقابله با بحرانی کہ اسرائیل با آن رو بہ رو شدہ تشکیل دهند. این پیشنهاد حامل پیام‌ہای قابل تاملی است. شاید اصلی‌ترین پیام این پیشنهاد این باشد کہ حتی چہرہ‌ہا و جریان‌ہای مخالف با نتانیاہو نیز متوجہ شدہ اند کہ احتمال فروپاشی دولت نتانیاہو و ائتلافی کہ دولت وی بر آن استوار است، بسیار بالا رفته و در این شرایط بحرانی، جریان‌ہای سیاسی اسرائیلی عملاً خود را در یک قایق تصور می‌کنند کہ اگر متحد نشوند، تبعات مرگبار این بحران می‌تواند ہمہ آنان را گرفتار کند. از این رو، سناریوی فروپاشی

دولت نتانياهو و ناتوانی آن از ادامه فعالیت، با استناد به شرایط فوق العاده اراضی اشغالی می‌تواند از جمله تکانه‌های جدی عملیات طوفان اقصی با مهندسی جریان مقاومت علیه اسرائیل باشد. به همین دلیل نتانياهو سعی دارد با ائتلاف با رقبای حتی‌الامکان دولت خود را در شرایط بحرانی کنونی حفظ کند.

۳-تأثیر بر روند عادی‌سازی روابط: عملیات بی‌سابقه حماس علیه اسرائیل غاصب در اطراف غزه که یک پیروزی بزرگ و شکستی مفتضحانه را برای این رژیم رقم زد، قطعا خالی از تبعات متعدد جانبی اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نخواهد بود. یکی از این تبعات برای همه اطراف از جمله آمریکا و اسرائیل و خصوصا عربستان سعودی این است که این بازیگران را در پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل دچار تامل و بازنگری نموده و حداقل این است که روند سازش تا اطلاع ثانوی به تاخیر خواهد افتاد. اکنون مقامات سعودی بر سر دو راهی قرار گرفته‌اند که آیا به سمت انعقاد توافق آشتی با تل‌آویو حرکت کنند یا مترصد وضعیت غزه و تحولات شتابنده میدانی و واکنش اسرائیل و وضعیت فلسطینی‌ها باشند؛

فلسطینی‌هایی که در عملیات اخیر دست برتر را یافته و در عین حال در معرض اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل هستند.

موضع ریاض دعوت به توقف جنگ و آرامش در اراضی اشغالی است و این نشانگر آن است که سعودی‌ها در این جنگ حداقل موضع بی‌طرفانه دارند؛ لذا هر گونه تلاش برای بازگشت به چرخه سازش با این موضع‌گیری در تعارض خواهد بود. بنابراین، سعودی‌ها به طور طبیعی منتظر آند تا غبار جنگ فرونشیند و ببینند نتایج جنگ به کدامین سمت سوق خواهد یافت. قطعا با توجه به نشانه‌های برتری مقاومت فلسطین در این معرکه، تن دادن به سازش با اسرائیل نوعی خودزنی محسوب می‌شود که بعید است مقامات سعودی این ریسک را انجام دهند. حتی اگر عربستان نسبت به توافق صلح با رژیم صهیونیستی جدی باشد، مقاومت فلسطین با عملیات بی‌نظیر خود شرایط را برای امتیازگیری از اسرائیل مهیا کرده و سعودی‌ها اگر چنان که مدعی پای‌بندی به آرمان فلسطین باشند، دستکم می‌توانند مفاد طرح صلح عربی سال ۲۰۰۲ (ناظر به استیفای حقوق

فلسطینی‌ها) را بر سر میز مذاکره با آمریکا و اسرائیل مطرح کرده و به عبارتی قیمت عادی سازی را برای طرف مقابل بالا ببرند.

دورنمای تحولات

به نظر می‌آید نبرد بی‌سابقه مقاومت فلسطین از طریق عملیات طوفان الاقصی، ضربه کاری خود را علیه اسرائیل غاصب وارد کرده و نتیجه مطلوب را به دست آورده است. بی‌تردید، آثار زلزله و شوکی که به ارکان قدرت و جامعه صهیونیستی وارد شده و به تعبیر مقام معظم رهبری ترمیم‌ناپذیر می‌باشد، تا مدت مدیدی ادامه خواهد داشت. در مقابل، حماس تا مدت‌ها می‌تواند از این دستاورد بزرگ بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی کند و در حال و آینده آن را تبدیل به کسب امتیازات ارزشمندی نماید. با این حال مدیریت جنگ و ادامه آن در جهت تثبیت دستاوردهای پیروزمندانه کار سترگی است که نه فقط حماس، بلکه محور مقاومت باید آن را در دستور کار خود قرار دهد.

اگر قرار باشد جنگ کنونی تداوم یابد، قطعاً مقاومت باید تدابیر لازم را برای اداره آن اتخاذ کند؛ به ویژه آن که اسرائیل در اقدامات تلافی‌جویانه

خود، علاوه بر تحریم نوار غزه از نظر برق و سوخت و آذوقه و...، به بمباران‌های وحشیانه خود ادامه خواهد داد. ورود سایر نیروهای مقاومت مانند حزب الله به معرکه کنونی نیز از دیگر گزینه‌های مقاومت در شرایط وخامت جنگ و تشدید حملات اسرائیل خواهد بود. اسرائیل در واکنش به شکست سختی که خورده حداقل دو گزینه پیش رو دارد: نخست این که کارزار هوایی را تشدید کند که البته جناح‌های مقاومت در غزه به آن عادت کرده‌اند و برای اسرائیل نتیجه مطلوب در برنخواهد داشت و بلکه به رغم تلاش برای مظلوم‌نمایی، موجب آشکارتر شدن چهره وحشی و کودک‌کُش آن نزد افکار عمومی خواهد شد. با این تفاوت که این بار دشمن حداقل تعداد زیادی در دست مقاومت فلسطین اسیر دارد و قطعاً با عملیات هوایی قادر به بازپس‌گیری آنها نخواهد بود.

گزینه دوم اسرائیل ورود زمینی و نبرد در غزه است که خطرات بزرگ و تلفات فراوانی را برای ارتش اسرائیل در پی دارد و همین که اعلام کردند فعلاً آن را به تعویق انداخته‌اند نشان می‌دهد که نسبت به پیامدهای آن تأمل و ترس جدی دارند و لااقل در حال ارزیابی ابعاد مختلف آن هستند؛ به

ویژه آن که حزب الله لبنان اعلام کرده نسبت به جنگ زمینی بی طرف نیست. حتی اگر دشمن بتواند کنترل مناطق تحت تصرف مقاومت را دوباره به دست گیرد برای او پیروزی تلقی نمی شود؛ زیرا این مناطق از این پس ناامن بوده و برای اسکان مناسب نیستند.

سناریوی دیگر پایان یافتن جنگ است. هرگونه توافق آتش بس با میانجی گری خارجی نیازمند هوشمندی و بهره برداری از دستاوردهای جنگ به ویژه در پرونده گروگان های اسرائیلی می باشد. قطعاً حماس با مبادله اسرا و اجساد اسرائیلی موفق به آزادی تعداد زیادی از زندانیان فلسطینی خواهد شد که به نوبه خود پیروزی جدیدی برای مقاومت فلسطین محسوب خواهد شد.

در مجموع باید گفت پیروزی بزرگ مقاومت و شکست سنگین رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در تاریخ منازعات دو طرف رقم خورده و شرایط و معادلات جدیدی را به دشمن تحمیل کرده است؛ شرایطی که قطعاً رژیم صهیونیستی و حامیانش را وادار به بازنگری در محاسبات خود خواهد نمود.